

حرف درشت

شست مبارک



پوریا عالمی

• الان یک‌طوری شده که همه مسئولان حرفشان را دارند توی توئیتر و اینستاگرام می‌زنند. عیبی هم ندارد. این دلاوران فکر می‌کرده‌اند برای بازکردن یک اکانت و حساب کاربری در توئیتر و اینستاگرام حتما باید نماینده مجلس و عضو دولت بشوند که مصونیت سیاسی داشته باشند.

موضوع جالب هم اینجاست که این عزیزان یک‌طوری توی اینترنت درباره وضع مملکت صحبت می‌کنند که انگار چند نفر دیگر جز آنها نماینده مجلس و مسئول هستند و این عزیزان به‌عنوان خبرنگار کار خبری می‌کنند و می‌روند از تو مجلس توئیت می‌کنند.

عیبی هم ندارد. فقط یک‌طوری شده که بابای ما خیال می‌کند مسئول مملکت ماها هستیم که توی توئیتر و اینستاگرام هستیم و نمایندگان شهروند- خبرنگار هستند.

دم شما هم گرم. فقط شما زحمت بکش یک‌بار محض نمونه هم که شده فقط وزرای مربوطه را برای فیلترینگ استیضاح که هیچی، سؤال هم که هیچی، با موبایل به‌شما SMS بزن که «داداش فیلتر رو چیکار می‌کنی؟» ما می‌گوییم آن نماینده خدم و امیدوار علاوه بر استفاده از فیلترشکن، از شست مبارکش هم در راه احقاق حقوق مردم استفاده کرد.

یک راه دیگر هم که دلاوران در پیش گرفته‌اند این است که می‌روند دیدار زندانی‌های سیاسی و عکس می‌گیرند و در اینترنت منتشر می‌کنند (البته هر شونزده ماه یک‌بار). خوب اینکه کار شهروندان است. شما به‌عنوان مقام مسئول اگر راست می‌گویید پاشو برو داخل زندان باهاشان ملاقات کن. ما قول می‌دهیم عکس شما را توی فتوشاپ بگذاریم در کنار زندانیان سیاسی و منتشر کنیم. خیالت راحت.

حالا این چهارسال دولت و مجلس هم تمام می‌شود. رزومه اساتید می‌شود ۶۰۰ لایک سیاسی، ۱۷ توئیت تند، ۴۰ توئیت بامزه، ۵۳۰ عکس سلفی با چهره‌ها، دوتا هم عکس با فعالان سیاسی و اجتماعی، چند ملک و زمین به‌عنوان ارزش افزوده، شونزده مدیرعاملی و هیئت‌مدیره سهم آقازاده‌گی، حواله ورود ماشین خارجی یا پمپ‌بنزین، حواله تراکم در شمال شهر و کمی هم نطق میان‌دستور.

پرنده آبی

دانشگاه نفت داغ شد

• این‌بار دانشجویان #دانشگاه نفت بودند که وقتی دیدند صدای اعتراض آنها به تصمیم یک‌شنبه وزارت نفت شنیده می‌شود، خواسته‌های خود را در شبکه‌های اجتماعی مطرح کردند. این هشتک با بیش از ۲۶۰ هزار توئیت منتشر شده است. تصمیمات ناگهانی مسئولان کلاه تبعات اجتماعی زیادی برای خانواده‌های آنان دربر دارد. این اعتراض به تصمیمی است که اول خرداد ۹۴ اعلام شد و در آن با دستور مستقیم وزیر نفت، هرگونه فرایند استخدام به هر عنوانی متوقف شده بود! حتی برای بورسیه‌های دانشگاه نفت، به‌این‌ترتیب جوانانی که با رتبه‌های خوب کنکور می‌توانستند دانشگاه‌های شرفه‌ای بزرگ را انتخاب کنند، ولی به‌خاطر حق استخدام #دانشگاه نفت را انتخاب کرده بودند، دچار ناامیدی شدند. زندگی در گرمای خوزستان و دوری مسیر و آلودگی هوا... را تحمل کرده بودند تا نگرانی بابت کار بعد از فارغ‌التحصیلی نداشته باشند و اکنون با این تصمیم عجیب رویه‌رو می‌شدند. معمولاً این‌نامه‌های جدید عطف به‌ماسبق نمی‌شود، اما این‌بار تصمیم گرفته شده بود. منظور همان دانشگاه نفت مشهور است؛ همان دانشگاهی که از اول برای پرورش نیروهای متخصص صنعت نفت بوده و حتی شهید تندگویان هم در همین دانشگاه درس خوانده است. دلایل وزیر برای این تصمیم متعدد است؛ از جمله معتقد است فارغ‌التحصیلان این دانشگاه بی‌سوادند، معدلشان پایین است و برای صنعت نفت مناسب نیستند و اعتراض‌های متعدد در این دو سال جلو در وزارتخانه و مجلس فایده‌ای نداشته است، حتی تحصن‌های متعدد غذایی و اعتصاب هم همین‌طور. با اینکه در مقطعی به آنها وعده درست‌شدن اوضاع داده شد، اما هنوز حکم وزیر برپا بوده است و اعلام شد دانشجویهای بورسیه #دانشگاه نفت فرقی با بقیه ندارند و قرار نیست استخدام بشوند. چندی پیش یکی از روزنامه‌ها گزارشی از یکی از فارغ‌التحصیلان منتشر کرد که مشغول کوجه‌فروشی بود. گفتنی است وزیر نفت تحلیلش از این تصمیم این است که بورسیه با تعهد استخدام متفاوت است و شرکت نفت و وزارت نفت هیچ‌وقت در مصوبه سال ۸۰ که به آن استناد می‌شود هیچ تعهدی در این زمینه ندارند. استخدام نخبان در صورت نیاز باید از همه دانشگاه‌ها باشد، دلیلی ندارد که فقط از دانشگاه صنعت نفت انجام شود. به‌هرحال دانشجویان نفت در این چندروزه می‌خواهند به این موضوع اعتراض کنند.

شترت

روزنامه

www.sharghdaily.ir

یکشنبه ۱۹ شهریور ۱۳۹۶ • ۱۹ ذیحجه ۱۴۳۸ • ۱۰ سپتامبر ۲۰۱۷ • سال پانزدهم • شماره ۲۹۵۸ • ۲۰ صفحه • اذان ظهر تهران ۱۳:۰۱ • اذان مغرب ۱۹:۳۷ • اذان صبح فردا ۵:۱۸ • طلوع آفتاب ۶:۴۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

ثنا حسین‌پور

۵۰٪ دختران از نواحی مرزی از تحصیل باز می‌مانند...



آکادمی

چطور فرد معمولی متفاوتی باشیم؟!



وحید شامخی
مشاور مدیریت استراتژیک

میانگین رفاه، ثروت و آرامش آدم‌های کشورم بیشتر شود؟ دارم تلاش می‌کنم تا حمل‌ونقل کشورم بهبود یابد. دارم تلاش می‌کنم کیفیت محصولات غذایی، بهداشتی، لوازم خانگی، کیفیت تفکر و فرهنگ افراد جامعه‌ام بهبود یابد. دارم تلاش می‌کنم تا جامعه‌ام، کشورم و کره زمین، جای بهتری برای زندگی انسان‌ها باشد. اما شاید عمیق‌تر کردن معنای شغل، کار یا حرفه ما، ریشه در عمیق‌ترشدن معنای زندگی‌مان داشته باشد.

معنای زندگی ما چیست؟ آقای «مصطفی ملکیان»، اندیشمند بزرگ معاصر، در ارتباط با معنای زندگی، مطالبی بسیار خواندنی و شنیدنی دارند. برای مثال در یکی از سخنرانی‌هایشان، معنای زندگی را به ارزش زندگی تعبیر می‌کنند. می‌گویند از خود بپرسیم که این زندگی، به زندگی‌کردن می‌آورد؟ ارزش زیستن دارد؟ فایده‌اش بیشتر از هزینه‌اش است یا برعکس؟! زندگی که ارزش زیستن دارد، باید فایده‌اش بیشتر از هزینه‌هایش باشد و اگر این‌گونه است، زندگی ما ارزشمند و در نتیجه معنادار است. حال، شغل ما بخش قابل توجه زندگی ما را تشکیل می‌دهد. اگر می‌خواهیم زندگی‌ای داشته باشیم که ارزش زیستن داشته و معنادار باشد، طبیعتاً باید شغل معنادار یا ارزشمندی داشته باشیم.

اما این ارزش برای همه انسان‌ها یکسان نیست و هرکسی ممکن است ارزش متفاوتی برای زندگی خود بیابد. دلیل خوبی برای زیستن بیاید. یافتن دلیل خوب زندگی، ارزش و معنای زندگی و در نتیجه آن شغل، نیاز به تفکر عمیقی دارد که از این مجال خارج است.

پس با گریزی به معنای زندگی در نظر مولانا، سخن کوتاه می‌کنم. آقای «ملکیان» معتقدند جناب مولوی، معنای زندگی را در نی‌نامه‌اش توضیح داده است و هر آنچه در ادامه مثنوی و دیوان شمس می‌آید، تفسیر و توضیح بیشتر همان نی‌نامه مولانا است؛ نی‌ای که هوای بازگشت به نیستان دارد! بشنو این نی، چون شکایت می‌کند/ از جدایی‌ها حکایت می‌کند / کز نیستان تا مرا بربریده‌اند/ در نفیرم مرد و زن نالیده‌اند / سینه‌خواهم شرحه‌شرحه از فراق/ تا بگویم شرح درد اشتیاق / هرکسی کو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

میراث فردا

۱۹ شهریور سالگرد شهادت مبارزی متفاوت است

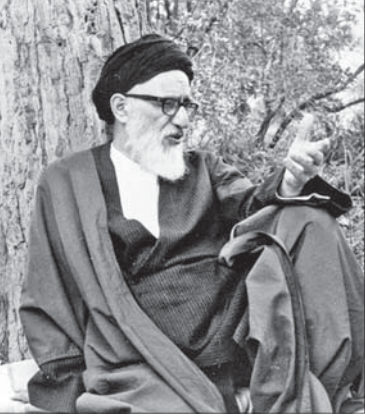
میراث طالقانی



محمد توسلی

با پیام راهبردی انبیا و ارزش‌های توحیدی آشنا شسوند و راهکار رفع ظلم و جهل از انسان را (ائۀ کان ظلوماً جهولاً) اختیار و آزادی و حاکمیت بر سرنوشت خود (لیقوم الناس بالقسط) بدانند و برای اینکه انسان در جایگاه کرامت و حقوق بشری و شهروندی خود قرار گیرد (لقد کرّمنا بنی آدم)؛ «پرتوی از قرآن» طالقانی، اسلام رحمانی را در معرض شناخت و آگاهی مخاطبان قرار می‌دهد.

سخنان پرشور و توأم با نگرانی طالقانی در



دوره کوتاه بعد از انقلاب، عموماً بر همین ارزش‌ها متمرکز بود. او ضمن توصیه به سعه‌صدر و رواداری (لا اکراه فی الدین) همواره بر آزادی، عدالت و کرامت انسان و سپردن کارها به‌دست خود مردم (دموکراسی) و اجرای اصول شوراهای اصرار و تأکید داشت تا آموزه‌های دینی در عرصه عمومی بتواند همراه با دانش بشری زمینه‌های رشد و بالندگی آحاد جامعه و توسعه را فراهم کند.

دغدغه‌های طالقانی و بازرگان در واقع در راستای همان دیدگاه‌های عالمان عصر مشروطه؛ آخوندخراسانی و میرزای نائینی بود که امروز بیش از پیش برای آگاهان جامعه ما برجسته و مشخص شده و راهبردهای آنان برای خروج از بحران‌های کنونی در پیش‌رو قرار گرفته است.

در سی‌وهشتمین سالگرد درگذشت زنده‌یاد سیدمحمود طالقانی، میراث او را، هم در تدابیر و بینش و منش او و هم تربیت شخصیت‌هایی مانند زنده‌یاد دکتر ابراهیم یزدی گرامی می‌داریم که در طول بیش از ۶۰ سال، راه او و سایر پیشگامان روشنفکری دینی؛ مهندس بازرگان و دکتر سبحانی را تدابیر بخشیده‌اند. برای تدابیر راه این بزرگواران از خداوند متعال استعانت می‌جوییم.

پشت جلد

حکایت آن صورت همچو ما!



کریم ارغنده‌پور

صفحه مونیترور را می‌کشایی و به ناگاه تصویری ظاهر می‌شود. نه می‌توانی چشم از آن برداری و نه ادامه دهی. یک پارادوکس منقلب‌کننده

است. تو را بی‌حس می‌کند. اشک در چشمانت می‌نشانند و برای دقایقی -بلکه ساعات و روزهایی- تو را از عالم پیرامون دور می‌کند. شوک تصویر چنان است که مدتی است توان نوشتن درباره آن را نداشته‌ام. در واقع هنوز هم ندارم. من سال‌ها افتخار هم‌نشینی و هم‌نفسی با علیرضا رجایی را داشته‌ام. هم در انجمن صنفی روزنامه‌نگاران و هم در پاره‌ای نشست‌های فکری و سیاسی. اما آنچه شخصیت او را نزد همه دوستدارانش بالاتر می‌برد، نه صرفاً کار و حرفه و گرایش سیاسی، بلکه اخلاق اوست. در این زمانه عسرت کمترکسی در فروتنی و بی‌نیازی و بخشش به حدود او می‌رسد. گاهی ما از کسی تعریف می‌کنیم و به دلایل احساسی کلمات حالت تشدید پیدا می‌کنند. درباره او کاملاً اوضاع بر عکس است. من شرمندهام که نمی‌توانم در حق او واژه‌هایی را بیابم که حتی حداقل حق مطلب را ادا کنند. دیروز در مثنوی مولانا داستان جنگجویی را می‌خواندم که وقتی گرفتار علی(ع) شد بر رویش آب دهان افکند و ناگهان علی صورت برگرداند و دشمن را به حال خود گذارد مبادا که خشمم او را از کنترل خارج کند. دهه‌ها بار آن داستان را خوانده‌ام ولی هر بار تحت‌تأثیر آن روح بزرگ اشک ریخته‌ام. مقایسه‌ای در کار نیست فقط می‌خواهم نشان دهم کلمات عادی چگونه در توصیف عظمت یک رفتار گاهی ناچیزند. حتی توصیف زیبا و شیرین مولانا هم بخش مهمی از بزرگی آن روح بلند را توصیف نمی‌کند.

من وقتی به تصاویر اخیر علیرضا رجایی نگاه می‌کنم اولین احساسم این است روحی که در پشت آن صورت تک چشم و درفرمه قرار گرفته بسیار بزرگ‌تر از قالب تنش است. ما برای علیرضا رجایی چه می‌خواهیم؟ زیبایی؟ دو چشم بی‌نیا؟ صورتی بدون آن وصله ناجور؟ و امثال آن؟ او الان هم همه را دارد. بیشتر از آنچه من و تو می‌خواهیم یا در نظر می‌آوریم. چشم دل او از چشمان من بی‌ناتر است. صورتش از صورتم زیباتر و وصله‌اش مادامی که سلامتی را برایش هدیه می‌کند، خواستنی‌تر است. آنچه در آرزوی من است سلامتی و امکان استمرار اندیشیدن و بازگشت او به زندگی عادی است. در این وضعیت گوهری تابناک در زندگی همه ما همچنان می‌درخشد و زیبایی می‌تراود. چنین باد!



سلام به فردا

حوادث میانمار؛ ۱۱ سپتامبری دیگر



هوشنگ ماهرویان

هر سال در آستانه واقعه ۱۱ سپتامبر این سؤال به میان می‌آید که چرا جهان از خشونت خالی نمی‌شود؟ چرا روزی فرا نمی‌رسد که انسان‌ها فارغ از نژاد

و قومیت و زبان و مذهب در کنار یکدیگر به زندگی بپردازند؟ طرح چنین پرسش‌هایی امسال در هم‌جواری با حادثه ۱۱ سپتامبر، از اهمیت بیشتری برخوردار است؛ چراکه در گوشه‌های از شرق جهان، کشتار وحشیانه‌ای به راه افتاده که حتی برنده جایزه صلح نوبل را نیز به خاموشی کشیده است. باید پرسید که چرا خانم «آنگ سان سوچی» که در میانمار از مسئولیت و مقبولیتی مهم برخوردار است، اکنون مانند معلم تربیت‌دهنده روحی خود؛ یعنی گاندی دست به عملی برای پایان بخشیدن به این همه کشتار و وحشیگری نمی‌زند؟ ایشان که خود را پرورش‌یافته مکتب گاندی می‌دانند، فراموش کرده است که آن مرد صلح‌طلب برای پایان‌دادن جنگ‌های پراکنده میان مسلمانان و بودایی‌ها، دست به اعتصاب غذا زد و آن قدر نخورد تا این دو گروه سلاح بر زمین گذاشتند و دوستی پیشه کردند؟ از اولین پدیده‌های که خاورمیانه را لرزاند- کودتای شوروی در افغانستان- تا امروز که دیگر بنیادگرایی به یکی از مرام‌های مهم در خاورمیانه بدل شده، همواره پای آمریکا به‌عنوان یک دولت حمایت‌کننده در میان بوده و دیگر شنیدن نام‌های القاعده، طالبان، بوکوحرام، داعش و... برای ما عادی شده است. آمریکا که خود از ترس حضور و اقتدار شوروی در افغانستان، بذر این گیاه شوم را کاشت، در یازدهمین روز سپتامبر سال ۲۰۰۱، آنچه را که کاشته بود، دروید؛ اما امروز شعله‌های این آتش تفرقه میان ادیان هنوز زنده است و هر روز در گوشه‌ای از دنیا، شعله می‌کشد. مایه تاسف انسانیت و بشریت است که در قرن بیست‌ویکم هنوز خشونت دینی می‌تواند جان صدها انسان را بگیرد، زنان را به کنیز و مردان را به بردگی ببرد و هیچ نشانی از انسانیت باقی نگذارد. زمان دفاع از آزادی اندیشه‌ها، دوستی ادیان، گفت‌وگوی تمدن‌ها و مذاهب خیلی وقت است که در خاورمیانه رسیده؛ اما گوش شنوایی برای آن نیست. شعار امروز جهان باید «لا اکراه فی الدین» باشد و تأکید بر رحمانیت و مهربانی خداوند؛ دیدگاهی که در آن خون‌ریزی جایی ندارد؛ دیدگاهی که در قرن بیست‌ویکم انسان‌ها را به صلح و آشتی و گفت‌وگو فرامی‌خواند. اینها همه در حالی است که سوچی با سکوت خود، عملاً راه را برای ایجاد یک ۱۱ سپتامبر تازه باز کرده است. حال که در تقارن روز ۱۱ سپتامبر هستیم، زمان آن فرا رسیده که نگذاریم حادثه‌ای دیگر، در جای دیگری از جهان به شکاف میان انسان‌ها و ادیان بینجامد.



واکنش

برنامه آموزشی دفتر مطالعات رسانه اعلام شد

پارانه آموزش به روزنامه‌نگاری که در دوره‌های آموزشی شرکت کنند، از ویژگی‌های دوره‌های آینده است. او خاطرنشان کرد: جزئیات این قالب‌ها در روزهای آینده اطلاع‌رسانی خواهد شد. ایرنا در گزارشی که در این زمینه تنظیم کرده، آورده است: «مدیرکل مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از زیرمجموعه‌های معاونت مطبوعاتی و اطلاع‌رسانی این وزارتخانه محسوب می‌شود». بر اساس این گزارش، آموزش اصحاب رسانه، برگزاری میزگردهای تخصصی با حضور کارشناسان رسانه و علوم ارتباطات، چاپ و انتشار فصلنامه و کتاب با موضوع رسانه و افزودن: استفاده از ظرفیت مؤسسه‌های آموزشی، در کنار ظرفیت آموزشی مرکز مطالعات و اعطای

در حداقل ۱۵ استان برای اعضای خانه‌های مطبوعات دانست. علی‌آبادی برگزاری کارگاه‌های تخصصی از طریق مرکز مطالعات و همچنین مؤسسه‌های آموزش روزنامه‌نگاری را قالب سوم عنوان کرد. به گفته او، قالب چهارم، میدان‌دهی به مؤسسه‌های آموزشی دارای مجوز است. استادان روزنامه‌نگاری، مؤسسه‌های مطبوعاتی یا تشکل‌های مطبوعاتی می‌توانند از مرکز مطالعات رسانه‌ها، مجوز برگزاری دوره آموزشی بگیرند تا پس از برگزاری دوره، گواهی تأییدشده از سوی مرکز را برای دانشجویان و کارآموزان صادر کنند. علی‌آبادی این قالب‌ها را مکمل یکدیگر ذکر کرد و افزود: استفاده از ظرفیت مؤسسه‌های آموزشی، در کنار ظرفیت آموزشی مرکز مطالعات و اعطای

شرق؛ چهارشنبه‌های گذشته، در صفحه آخر روزنامه «شرق»، گزارشی درباره تعطیلی دفتر مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت ارشاد منتشر شد. عصر روز سه‌شنبه، مدیرکل مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه‌های وزارت ارشاد، در گفت‌وگو با رسانه‌ها از جهت‌گیری آینده این دفتر سخن گفته و به تشریح دوره‌های آموزشی ترم تحصیلی آینده این مرکز پرداخته است. کی‌تا علی‌آبادی دوره‌های آموزشی ترم تحصیلی آینده را در چهار قالب برشمرد و افزود: قالب اول، ادامه برگزاری دوره‌های آموزشی از سوی مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی رسانه است که به صورت یک ترم فشرده ۲۰۰ساعته برگزار می‌شود. او قالب دوم را برگزاری دوره‌های آموزشی فشرده از سوی مرکز مطالعات